

هو الله تعالى شأنه العظمة والاقتدار حمد

مقدّس از ادراك

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



من آثار حضرة بهاء الله - لثالث الحكمة، المجلد 2، لوح رقم)

(104)، الصفحة 206 - 211

هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار

حمد مقدّس از ادراك و عرفان حضرت موجودی را لایق و سزااست که در فراق قلم و مداد را اسباب ظهور محبت و اتفاق و مودت و اتحاد قرار فرمود قلم مع آنکه خزینه نداشتند و ندارد و میانش خالی قدرت الهی او را صاحب لثالث اسرار نمود و از او ظاهر فرمود آنچه را که سبب الفت و محبت است جلّت عظمة خالقه و ممدّه و سلطانه و الصلوة و السلام علی بحر البیان الذی به انزل الله الفرقان و به انتشارت احکامه بین عباد و اوامرہ فی بلاده و علی آله و صحبه الذین بهم محت آثار الشّرك و غرّد عندلیب البرهان علی اعلى الاغصان بآیات التوحید و اسرار التجرید صلواتا لا تغیرها شئون العالم و لا ظهورات الامم و بعد نامه آنجناب که بعد حاضر ارسال نمودند امام وجه مظلوم قرائت شد و باصغا فائز گشت یا عبد الله لعمر الله تأخیر ذکر نظر بکثرت تحریر است وقت مفقود فرصت غیر مشهود الامر بید الله العزیز الودود و آنچه در نامه مذکور عرف محبت ربّ غفور از او متضوّع نحمد الله تبارک و تعالی بما ایدک فی اول الايام و عرفک سبيله و دلیله و آیاته و بیناته و اراک آثاره و اسمعک ندائه یا



ORIGINAL

عبد الله كتب الهی هر یک منادی بوده و خلق را بحق دعوت نموده و مینماید و مخصوص هدایت از
 سماء مشیت نازل شده قوله تبارک و تعالی (آلم ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین) از حق
 بطلب عباد خود را تأیید فرماید تا کل فائز شوند بآنچه که از برای آن از عدم بوجود آمده اند عالم را
 اسباب و اشیاء فانیه از تقرّب منع نموده از حق میطلبیم از برای عباد کشف فرماید آنچه الیوم مستور
 است یا عبد الله ارکان بلاد اهل توحید متزلزل احدی بر سبب و علت آن آگاه نه الی حین زلزله
 ساعت ساکن نشده سوف یری آثارها باری آنجناب و سایر اهل توحید باید از حق جلّ جلاله حفظ
 طلب نمایند و نصرت و ظفر مسئلت کنند شاید خلف را مصیبت سلف اخذ نماید و موجود بر قرار بماند
 نسئل الحقّ علامّ الغیوب بان یوید الملوک علی العدل و الانصاف انه علی کلّ شیء قدیر امور در کنز علم
 الهی مکنون و مستور است انک اذا فزت بکتابی و وجدت عرف بیانی قل الهی الهی لک الحمد بما
 هدیتنی و علمتنی کلمة توحیدک و عرفتنی حبیبک و مقامه الذی به اظهرت امرک و اوضحت سبیلک
 و سقیتنی من ایادی عنایتک کأس عطائک ای ربّ ترانی معرضا عن دونک و مقبلا الیک و راجیا
 بدائع فضلک اسئلك بآیاتک الکبری التي جعلت مظهرها فردوسک الاعلی و جنتک العلیا و بلآئی
 اصداف بحر حکمتک بان تجعلنی ثابتا علی حبک و راسخا فی امرک و متمسکا بجلک فی کلّ الاحوال
 انک انت الغنی المتعال ای ربّ قدر لی و لمن یحبک خیر الآخرة و الاولی انک انت المشفق الکریم لا
 اله الا انت العظیم الکریم الحمد لله آنجناب لا زال مذکور بوده و هستند جناب زین علیه بهائی شما را ذکر
 نموده و مینماید جناب عبد المهدی را از قبل مظلوم سلام برسان بگو نامه تو دیده شد الحمد لله مکرر
 بعنایت فائز شدی نسئل الله ان یمدک و یویدک و یوفقک علی ما یحبّ و یرضی انه هو مولی الوری و
 ربّ العرش العظیم منتسبین و اولیا را از قبل مظلوم ذکر نما و کل را بصبر و اصطبار و امانت و دیانت
 و اصلاح وصیت کن امید آنکه کل بکتاب الهی تمسک نمایند و بآن عامل شوند نسئلک اللهم بالذین
 جعلهم الاشقیاء اساری من الزوراء الی الحدباء و بنسبة التي کانت بینهم و بین مظهر امرک بان تثبت
 احبائک علی حبک ثم استقمهم علی ما کانوا علیه فی انتشار امرک فیا الهی انت تری و تعلم ما ورد
 علیهم فی حبک و رضائک بحیث بکت علیهم عیون اصفیائک و اهل سرادق مجدک اسئلك بان لا
 تحرمهم من عواطفک و الطافک ثم اسکنهم فی جوار رحمتک فی الدنیا و الآخرة انک انت علی کلّ
 شیء قدیر ان یا احبائی فی حدباء علیکم ذکری و بهائی و ثناء کلّ الاشیاء و ثناء من فی جبروت الابداع و
 ملکوت الاختراع انتم الذین حملتم الشدائد فی سبیلی و الرزایا فی حبّی لعمری سوف نرفع اسمائکم و نعلو
 مراتبکم و مقاماتکم و تظهر بین الامم ما ورد علیکم فی سبیل ربکم لم یزل کان طرفی الیکم و لا یزال یکون
 بمثل ما قد کان طوی لکم بما اقترن اسمائکم بهذا الاسم الاعظم العظیم ایّاکم ان تجزعوا فی شیء ان
 احفظوا مقاماتکم و ایّاکم ان یظهر منکم ما یدلّ به ما قدر لکم من لدن علیم حکیم ان اعتصموا بجل الله

و عنایتہ ثمّ انقطعوا عمّا یکرهہ رضاه هذا خیر لکم عمّا ترونہ فی الارض انه ولیکم و ولیّ من والا کم و ولیّ من یحبکم و یدکر ما ورد علیکم هذه کلمة بها زینا الواح کینوناتکم لو انتم تعرفون و طرزنا بها دیباج انفسکم لو انتم تفقهون و یتقی اثره فی الظاهر و الباطن فی الملکوت کذلک نطق ربکم العلیم الخبیر البهاء علیکم یا احبائی فی هناک ان اجتمعوا علی امری و ذکرى و ثنائى بین عبادى ثمّ اشربوا اقداح الفلاح باسمى و ذکرى کذلک نزل لکم من لدن منزل قدیم و الحمد لله ربّ العالمین .